



عنوان جلسه:

کالبد شکافی جنگ وجودی در کارزار جمعیت و

تمدن سازی



مِتَد

(مرکز توسعه دانش مسئله محوری)

www.Mtod.ir



طرح کلی جلسه: در سیزدهمین جلسه، به واکاوی عمیق و همه‌جانبه جنگ وجودی علیه موجودیت و تمدن‌سازی نوین ایران اسلامی پرداخته شده است؛ نبردی خاموش و ترکیبی که با تلفیق ابزارهای جنگ سخت و نرم، نهاد مقدس خانواده و مؤلفه کثرت جمعیت را به عنوان خط مقدم خود هدف قرار داده است. در این جلسه، ضمن بررسی ابعاد مختلف این تقابل استراتژیک از جمله جبهه‌بندی‌های جهانی نظام سلطه، عملیات روانی، القای رسانه‌ای و ترویج سبک زندگی ضدفرزندآوری، بر این نکته تأکید شده است که دشمن با علنی کردن این تخاصم، مرتکب یک اشتباه راهبردی شده و فرصتی بی‌نظیر برای بیداری و بصیرت ملی فراهم آورده است. در نهایت، راهبرد اساسی برای خنثی‌سازی این تهدید، ورود آگاهانه و خودجوش مردمی برای رفع موانع و احیای نهاد خانواده، تحقق جهاد تبیین و همچنین مسلح شدن نسل جوان به دانش و فناوری‌های روز نظیر هوش مصنوعی و علوم داده عنوان گردیده است تا مسیر دستیابی به تمدن مقتدر و پویای آینده هموار گردد.

مقدمه: تبیین ماهیت جنگ وجودی و ابعاد آن

چیزی که در کشور ما در این روزها به نوعی رقم می‌خورد و دشمن متخاصم، وجودیت و هستی ما را هدف قرار داده است؛ جنگی وجودی و تمام عیار است. هستی ما که در پی تحقق تمدن نوین اسلامی، ایران بزرگ، ایران قوی، ایران اسلامی است و دشمن از آن احساس خطر کرده است. این مسئله، سابقه‌ای طولانی دارد و اگر پیشینه آن را بررسی کنیم، شاید به‌درستی بتوان گفت هزاران سال است که در کمین این اصل وجودی بوده تا موانع را از سر راه خود بردارد و منویات خود را در قالب راه‌هایی که در هر دوره‌ای وجود داشته -از جمله راه شیطان و جبهه تاریکی- دنبال کند و با بهانه‌ها، ابزارها و مسائل مختلف، به ثمر برساند.

زوایا و پرده‌های مختلفی از این جنگ وجودی قابل برشمردن است. از جمله یکی از مواردی که در این خصوص وجود دارد، بحث جنگ وجودی در حوزه جمعیت است که شاید کمتر بدان پرداخته شده و از این منظر، کمتر به تحولات جمعیتی توجه شده است. در حالی که اساس جمعیت، اساس وجود یک ملت بر جمعیت آن استوار است و آن جمعیت نیز ریشه در خانواده دارد و همواره جمعیت و خانواده در کنار یکدیگر بوده و هرگز از هم جدا نمی‌شوند.

تعریف جنگ، ابعاد و انواع آن

برای ورود به بحث، لازم است ابتدا به تعریف جنگ، ابعاد و انواع آن پرداخته شود. شاید کمتر از این زاویه به جنگ نگاه شده باشد که از لحاظ تخصصی، چه زمانی واژه جنگ به کار می‌رود، چه ابعادی دارد و چه انواعی دارد.

جنگ، در بحثی که در حال حاضر مطرح است، به عنوان جنگ ترکیبی شناخته می‌شود که در دو دسته کلی تقسیم می‌گردد: جنگ سخت و جنگ نرم.

جنگ سخت، معمولاً به کارگیری سلاح، خشونت، درگیری مسلحانه و سازمان‌یافته است که در آن، ارتش‌ها و نیروهای مسلح کشورهای مختلف در عرصه‌های گوناگون به نبرد می‌پردازند.

در مقابل، جنگ نرم ابعاد غیرنظامی دارد، قشون کشی و لشکرکشی در آن وجود ندارد، خشونت ظاهری در آن دیده نمی‌شود و هدف آن، تضعیف یک نظام سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی است.



برای آشنایی بیشتر با جنگ وجودی در حوزه جمعیت، لازم است ابعاد جنگ سخت و نرم را بازتر بررسی کنیم تا مقدمه‌ای برای بحث اصلی باشد.

ابعاد جنگ سخت

هر جنگی، ابعاد متعددی دارد. در جنگ سخت، مهم‌ترین و نخستین بُعد، **جبهه‌بندی** است؛ اینکه جبهه حق در کجا قرار دارد و جبهه باطل در کجا. این جبهه، خط مقدمی دارد که پیاده‌نظام در آن حضور دارند و نبرد متقابل را دنبال می‌کنند. بخشی از جبهه نیز به پشتیبانی و لجستیک جنگ مربوط می‌شود.

دومین بُعد، **کنشگران** هستند که در جنگ‌های سخت، عمدتاً نیروهای مسلح هر کشور به‌عنوان کنشگر اصلی میدان نبرد محسوب می‌شوند.

سومین بُعد، **سلاح‌ها و فناوری‌ها** هستند که در جنگ سخت به کار گرفته می‌شوند. انواع سلاح‌ها از بمب و موشک گرفته تا سلاح‌های گذشته مانند شمشیر و گرز، در این دسته قرار می‌گیرند و فناوری به کار رفته در آن‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در غلبه بر طرف مقابل دارد.

بُعد چهارم، **عملیات روانی** است که به‌عنوان مکمل جنگ سخت تلقی می‌شود و به دو شاخه **رعب و وحشت** و **فریب** تقسیم می‌گردد. بخشی از عملیات روانی، **رعب و وحشت** را در طرف مقابل تداعی می‌کند و بخشی دیگر، به **فریب** اختصاص دارد.

سایر ابعاد جنگ سخت عبارتند از:

ابعاد اقتصادی مانند تحریم‌ها، محاصره‌ها و غارت منابع که در طول تاریخ مصداق‌های فراوانی داشته است و هدف آن، وارد کردن ضربه اقتصادی به طرف مقابل است.

ابعاد حقوقی که شامل **قواعد پشتیبان جنگ**، **قواعد بشردوستانه** برای پیشگیری از جنگ، و **قواعد تشخیص جنایت جنگی** می‌شود. **معاهدات بین‌المللی** نیز سعی در پیشگیری از جنگ‌ها و در صورت وقوع، کنترل ابعاد آن (مانند جلوگیری از صدمه به زیرساخت‌ها و غیرنظامیان) دارند.

ابعاد رسانه‌ای که در هر جنگی وجود دارد و به ساخت و نشر روایت‌های مختلف در جامعه می‌پردازد تا مکمل جنگ سخت باشد و نبرد میدان را از **فاصله دور** کنترل کند؛ هم در **کنترل میدان** و هم در **انعکاس** آنچه از میدان به جامعه منعکس می‌شود.

ابعاد فرهنگی که شامل تخریب هویت، بازنویسی تاریخ و تغییر روایت‌های تاریخی در جنگ‌های طولانی‌مدت می‌شود.

بعد دیپلماتیک که به ایجاد ائتلاف بین کشورها با اهداف مشترک و نیز میانجی‌گری برای پایان دادن به جنگ اشاره دارد.

این ابعاد، با تعاریف و مصادیقی که نهادهایی مانند صلیب سرخ، دیوان کیفری بین‌المللی برای تشخیص انواع جنگ‌ها و شورای امنیت سازمان ملل برای تشخیص جنایت علیه بشریت، اقدام نظامی یا عملیات محدود نظامی ارائه می‌دهند، در چارچوب جنگ سخت قابل بررسی است.

ابعاد جنگ نرم



جنگ نرم نیز یکی از انواع اساسی جنگ است که باید به آن پرداخته شود. یکی از شاخصه‌های بسیار مهم جنگ نرم این است که در آن، طرف مقابل را مجبور نمی‌کنند که از اعتقادات خود کوتاه بیاید یا آن‌ها را تغییر دهد؛ بلکه کاری می‌شود که خود فرد **داوطلبانه** آن اعتقاد را کنار بگذارد. این شاخصه اساسی جنگ نرم محسوب می‌شود.

در جنگ نرم نیز ابعاد مشابهی با جنگ سخت قابل اشاره است:

جبهه‌بندی در جنگ نرم میدان، فیزیکی نیست؛ بلکه میدان فضای مجازی، رسانه، تولیدات سینمایی، مطالب علمی، رشته‌های دانشگاهی و حتی مؤسسات خیریه است که نفوذهای ظریف در آن‌ها رخ می‌دهد.

ابزارها در جنگ نرم، شامل رسانه، اینترنت، سبک زندگی، مد، لباس و پوشاک هستند که به‌عنوان ابزارهای غالب به کار گرفته می‌شوند.

سلاح‌ها در جنگ نرم، شامل **شایعه** (برای انحراف ذهن‌ها)، **تحریف** (وارونه جلوه‌دادن واقعیت یا متفاوت جلوه‌دادن آن از آنچه در واقع اتفاق می‌افتد)، **دروغ‌های بزرگ**، **ناامیدی** و **ترویج بی‌بندوباری** هستند که هدف نهایی آن‌ها، **فروپاشی اراده ملی و تسلیم بدون جنگ و خونریزی** از سوی خود جامعه هدف است؛ به‌گونه‌ای که افراد درون آن جامعه، اراده ملی را کنار گذاشته، سست می‌کنند و به سمت **تسلیم** در مقابل طرف متخاصم پیش می‌روند، مانند آنچه در انقلاب‌های رنگی رخ می‌دهد.

جنگ وجودی؛ مرحله‌ای فراتر از جنگ سخت و نرم

جنگ وجودی، مرحله‌ای بالاتر از جنگ سخت و نرم است. اگر بخواهیم شاخصه جنگ وجودی را بیان کنیم، این است که همه این ابعاد، فرد را به سمت **کنارگذاشتن و تعویض هویت** خود سوق می‌دهند. هدف، فقط تغییر نظام سیاسی نیست؛ دشمن متخاصم نشان داده است که به دنبال **محو موجودیت** یک کشور به اسم ایران است. این محو موجودیت، با تصرف منابع، تصاحب سرزمین و گسترش پهنه سرزمینی خود به کشورهای از جمله ایران، در آرزوهای دیرینه چنددهه‌ساله، چندصدساله و چندهزارساله طرف متخاصم وجود دارد. اخیراً نیز توهماتی در فضای مجازی (مانند پهن کردن پرچم خود بر نقشه کشورهای دیگر مانند ونزوئلا یا ایران توسط شخص ترامپ) نشان‌دهنده همین رویکرد غلط و باطل است.

جنگ وجودی در حوزه جمعیت

- درک جنگ وجودی جمعیت

جنگ وجودی در حوزه جمعیت، زمانی درک شد که حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) در صحیفه نور، ظرفیت جمعیت کشور را به‌عنوان شاخصه‌ای مطرح کردند که نباید بهانه‌تراشی مانع توسعه و گسترش و کثرت جمعیت شود و فرمودند که کشور ایران می‌تواند برای ۲۰۰ میلیون جمعیت نیز منابع کافی داشته باشد. این موضوع نشان‌دهنده **درک ضرورت کثرت جمعیت** برای دستیابی به قدرت و تمدن بود؛ تمدنی که حداقل به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون جمعیت نیاز دارد.

رهبر شهید انقلاب (رضوان الله علیه) نیز در سال‌های اخیر با تأکیدات چندین باره در حوزه جمعیت، درک خود را از جنگ وجودی جمعیت به این صورت مطرح فرمودند که کثرت جمعیت را **لازمه قدرت کشور** دانسته و جمعیت حداقل ۱۵۰ میلیونی را به‌عنوان شاخصه‌ای کلیدی در معیارهای قدرت کشور برشمرد و بر **جمعیت جوان** در فرمایشاتی مانند گام دوم انقلاب اسلامی و چشم‌اندازهای ترسیم‌شده برای کشور، تأکید داشته‌اند.



- جبهه‌بندی در جنگ وجودی جمعیت

با این تأکیدات، جبهه مقابل نیز بیکار ننشست. جبهه متخاصم، از دهه‌ها پیش در کشور نفوذ کرده و در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور رخنه نموده است تا از جهت جمعیت، کشور را از طریق جنگ سخت و نرم تسلیم کند. با استفاده از ابعادی که برای جنگ سخت و نرم برشمردیم، جنگ وجودی جمعیت را مرور می‌کنیم:

جبهه‌بندی در سطح کلان، به جبهه‌بندی شرق و غرب تقسیم می‌شود. غرب (با شاخصه کلیدی آمریکا و سپس اروپا) در اسناد امنیتی خود مانند **NSSM ۲۰۰**^۱ و سایر اسناد راهبردی در حوزه جمعیت، بحث جمعیت را برای خود با محدودیت مواجه نکرده و نسخه‌های کنترل جمعیت، تنظیم خانواده و محدودیت باروری را برای کشورهای شرقی، به‌ویژه کشورهای اسلامی، تدوین کرده است؛ چراکه نظاره‌گر تکثیر و گسترش جمعیت مسلمانان در جهان بوده است.

خط مقدم این جبهه‌بندی، با توجه به مطالعات و اسناد، در **نظام سلامت** قرار گرفته است؛ زیرا نظام سلامت به مرگ و زندگی افراد مرتبط است.

لجستیک و پشتیبانی این جبهه، به **صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)** سپرده شده است که به‌عنوان پشتیبان مالی این جبهه‌بندی عمل می‌کند.

کنشگران این جبهه، افرادی هستند که با مردم چهره‌به‌چهره در تماسند؛ از جمله فعالان حوزه سلامت و بهداشت، فعالان فرهنگی و حتی برخی از علمای دینی که با همراهی خود (با سابقه تاریخی مثبت و منفی)، زمینه‌های نفوذ را فراهم کرده‌اند، بدون اینکه صف‌آرایی علنی انجام دهند.

- سلاح‌ها و فناوری‌ها در جنگ وجودی جمعیت

در حوزه سلاح سخت در جنگ وجودی جمعیت، دشمن در سال‌های گذشته با نهادینه‌سازی **عقیم‌سازی** در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، فرد را مقطوع‌النسل کرده و نسل او را از بین برده است. این سلاح و فناوری، از جنس جنگ سخت تلقی می‌شود. همچنین **ابزارهای پیشگیری از بارداری** نیز در این دسته قرار می‌گیرند که برای کنترل تصمیم خانواده‌ها در زمینه تنظیم خانواده به کار گرفته شدند.

در حوزه جنگ نرم در جنگ وجودی جمعیت، سلاح‌هایی مانند رسانه، فضای مجازی، اقناع‌سازی، ورود به مباحث دینی (با استفاده از احادیث، روایات و حتی آیات متشابه قرآن)، و همچنین ترویج **سبک زندگی شهری**، مد، لباس و پوشاک به کار گرفته می‌شوند. این سبک زندگی، در تزاخم با ازدواج و فرزندآوری قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که فرد برای تأمین مسکن، شغل، تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی، سال‌ها زمان صرف می‌کند و سن ازدواج به حدود ۳۰ سالگی (میانگین سن ازدواج در نقاط

^۱ National Security Study Memorandum ۲۰۰ یا «گزارش کیسینجر»: سند محرمانه‌ای از شورای امنیت ملی ایالات متحده است که در دسامبر ۱۹۷۴ با نظارت هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، تدوین و در نوامبر ۱۹۷۵ توسط جerald فورد، رئیس‌جمهور وقت، به‌عنوان سیاست رسمی دولت آمریکا تصویب شد. عنوان کامل آن «تأثیر رشد جمعیت جهانی بر امنیت ایالات متحده و منافع فرادریایی» است. این سند، رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه را تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا، بی‌ثباتی سیاسی و دسترسی به منابع معدنی استراتژیک ارزیابی می‌کند و ۱۳ کشور اولویت‌دار (از جمله ایران) را برای اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت معرفی می‌نماید. این سند که تا سال ۱۹۸۹ محرمانه باقی ماند، بر پنهان‌کاری و استفاده از نهادهای بین‌المللی مانند صندوق جمعیت سازمان ملل برای پیشبرد اهداف کنترل جمعیت تأکید دارد.



شهری کشور) می‌رسد. در این رویکرد، فرزندآوری مزاحم پیشرفت فردی (تحصیل، شغل، تحرک اجتماعی صعودی) القا می‌شود.

- بعد روانی در جنگ وجودی جمعیت

بعد روانی که در همه جنگ‌ها وجود دارد، در جنگ وجودی جمعیت نیز به کار گرفته شده است. عقبه جنگ ۱۲ روزه، جنگ رمضان و جنگ تحمیلی سوم، با یک عقبه طولانی (چند دهه و حتی چند هزار سال) شکل گرفته تا نه فقط نظام حاکمیتی، بلکه کشور ایران را از صفحه روزگار محو کند.

رعب و وحشت، با کتاب‌هایی مانند «بمب جمعیت» (که میلیون‌ها نسخه از آن فروش رفت) و نظریه‌های **مالتوس** و **نئومالتوسی‌ها** (که بر اساس قاعده نسبت‌ها، رشد هندسی جمعیت را در مقابل رشد حسابی مواد غذایی قرار داده و فقر و گرسنگی را پیش‌بینی می‌کردند) به کار گرفته شد.

فریب، در اسناد بین‌المللی مانند **کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه (ICPD)** در قاهره (که ریشه بسیاری از تصمیمات جمعیتی در دهه‌های بعد شد)، **اهداف توسعه هزاره (MDG)** (از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵) و **سند توسعه پایدار (SDG)** یا **سند ۲۰۳۰** (از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰)، به بهانه سلامت مادر و کودک، برابری تحصیلی و عدالت، بحث‌های پیشگیری از بارداری و عقیم‌سازی را دنبال کرد.

ابعاد حقوقی با مطرح کردن حق آزادی، حق آزادی تن و بدن، و حق تصمیم‌گیری در مورد ازدواج و فرزندآوری، به‌عنوان حقوق شخصی، جنگ وجودی جمعیت را تسهیل نمود.

بعد رسانه‌ای نیز با راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای معاند، در مقابل سیاست‌های جمعیتی کشور (مانند ابلاغ سیاست‌های جمعیتی در سال ۱۳۹۳ توسط مقام معظم رهبری) موضع‌گیری کرد و آن را به‌عنوان تهدیدی برای حقوق و سلامت افراد معرفی نمود، در حالی که ابعاد کیفی آن سیاست‌ها (بندهای چهارده‌گانه) بسیار بیشتر از ابعاد کمی بود.

بعد فرهنگی نیز با ترویج سبک زندگی شهری و القای تزاخم میان ازدواج، فرزندآوری و پیشرفت فردی (تحصیل، شغل، مسکن، موقعیت اجتماعی)، به جنگ وجودی جمعیت دامن زد.

ریشه اصلی مسئله؛ تمدن‌سازی

با همه این توضیحات، مسئله اصلی در ارزیابی جنگ دوازده‌روزه، جنگ رمضان و جنگ تحمیلی سوم، ریشه آن یعنی **تمدن‌سازی** است. تمدن‌سازی که جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ یکتاپرست دیرینه ایران را دنبال می‌کند و تا ظهور حضرت حجت (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) ادامه خواهد یافت، برای جبهه غرب (و حتی برخی کشورهای شرقی مانند چین و ژاپن که این تمدن نوین اسلامی با ویژگی‌های یکتاپرستی را برنمی‌تابند) خوشایند نبوده است. جبهه شیطان، با هدف نابودی این تمدن، جنگ‌ها را دامن زده و با تفکرات افراطی و تندرو در رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده (که وابستگی شدیدی به لابی‌های صهیونیستی دارد)، در صدد نابودی تمدن نوین اسلامی برآمده است.

اشتباه راهبردی دشمن و بیداری ملت



بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی دشمن، **علنی کردن جنگ وجودی و تمدنی** بود. جنگ‌های وجودی و تمدنی، اساساً غیرعلنی و زیرپوستی رخ می‌دهند و علنی کردن آن‌ها، حماقتی بزرگ است. با علنی شدن این جنگ، جبهه حق نیز با مسلح شدن به آخرین فناوری‌ها، اطلاعات و جبهه‌گیری در مقابل فرهنگ منحط غرب، موضع‌گیری کرد. در اغتشاشات ۱۸ دی، این گارد در حال خلع شدن بود و جبهه متخاصم وانمود می‌کرد که در حال نجات ملت است؛ اما علنی شدن جنگ وجودی، باعث شد که بسیاری از قشرها، از جمله جوانان، متوجه شوند که جنگ نه تنها با حاکمیت، بلکه با وجود سرزمین، نژاد و نسل ایران است. این بیداری، باعث **هم‌گرایی** در جهت مقابله با جبهه متخاصم شد و اجتماعات شبانه‌خیز و پیوستن قشرهای مختلف به جنبش «جان‌فدا» نشان‌دهنده این تحول است.

اگر این بیداری به سطح منطقه‌ای و سپس جهانی گسترش یابد (همان‌گونه که پیش‌تر بیداری‌های منطقه‌ای رخ داده بود، هرچند منحرف شد)، می‌تواند به یک **بیداری جهانی** تبدیل شود که نخستین دستاورد آن، مقابله با حماقت دشمن در علنی کردن جنگ تمدنی است.

راهکارها و راهبردهای اساسی

- راهکار کلان: جهاد تبیین و بیداری

راهکار کلان و عمومی، به حداکثر رساندن بیداری از طریق **جهاد تبیین** است. رهبر شهید، بذر جهاد تبیین را کاشتند و اکنون این بذر در حال جوانه‌زدن و شکوفه دادن است و باید به یک درخت تنومند تبدیل شود تا در برابر جنگ تمدنی و وجودی، مقاومت کند و ثمره و میوه اصلی خود را بچشاند.

- احیای خانواده و جنبش جهانی تعهد به خانواده

در حوزه خانواده، حرکت ارزشمندی توسط شهید آیت‌الله رئیسی در سازمان ملل متحد آغاز شد؛ ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل، بحث **جنبش جهانی تعهد به خانواده** را مطرح کردند. این جنبش با هدف احیای نهاد خانواده، جلوگیری از فروپاشی آن و مقابله با نظریه‌پردازی‌های جنگ علیه خانواده (مانند مجاز شمردن روابط خارج از چارچوب ازدواج، سقط جنین و سایر مسائل که در ادیان الهی قبح آن‌ها تأکید شده است) شکل گرفته است و می‌تواند بیداری‌های گسترده‌ای ایجاد کند و افرادی را که باور دارند تشکیل خانواده و فرزندآوری مزاحم پیشرفتشان است، با آگاهی‌بخشی بیدار کند.

- مردمی‌سازی و نهادینه‌سازی

بحث جمعیت و خانواده نمی‌تواند صرفاً دولتی و حاکمیتی باشد؛ **خود مردم** باید این موضوع را دنبال کنند و آن را بسازند. مردم باید دست به دست هم دهند تا موانع بر سر راه ازدواج جوانان (بیکاری، هزینه‌های مسکن، تحصیل و ...) را برطرف کنند. اگر نگرش‌ها و باورهای نادرست (مانند نگاه‌های عاقلاندر سفیه به فرزند دوم و بیشتر) تغییر یافته است، باید این تغییر با آگاهی‌بخشی و کار **چهره‌به‌چهره** و **محله‌محوری** (که خط مقدم جدید این جبهه‌بندی است) به نهادینه‌سازی و احیای نهاد خانواده منجر شود. افراد با افتخار فرزندان خود را به میدان می‌آورند و نشان می‌دهند که طبق توصیه‌های رهبر شهید و دین مبین اسلام، خانواده را احیا می‌کنند.

- مسلح شدن به دانش و فناوری‌های روز



نسل‌های مختلف کشور باید با ابزارهای نوین مانند هوش مصنوعی، علوم داده و مدل‌های بزرگ زبانی (LLM) آشنا شوند. این ابزارها، نه صرفاً برای چت کردن، بلکه برای آموزش و متناسب‌سازی با فرهنگ اسلامی و ایرانی، می‌توانند به‌عنوان مشاور و دستیار، در ابعاد مختلف به کار گرفته شوند. دشمن از همین داده‌ها برای هدف‌گیری فرماندهان و رهبران استفاده کرد، اما جوانان می‌توانند با ارتقای سواد خود در زمینه برنامه‌نویسی (پایتون، جاوا و سایر زبان‌ها) و سواد رسانه‌ای، از این ابزارها برای پیشبرد اهداف تمدن‌سازی بهره‌برداری کنند. تعریف سواد در حال تغییر است و یونسکو نیز تعریف جدیدی از سواد ارائه کرده است که این‌ها نیز جزئی از آن محسوب می‌شوند و فقط کار با کامپیوتر و تایپ کردن نیست.

چشم‌انداز آینده

تمدن نوین اسلامی، با بهره‌گیری از همه این ابعاد، شکل خواهد گرفت و ان‌شاءالله به ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متصل خواهد شد. امید است که ملت بزرگ و شریف ایران اسلامی و جبهه مقاومت، شاهد این تحول عظیم باشند.





مِتود

مرکز توسعه دانش مسئله محوری

    Mtood_ir

۰ ۲ ۱ ۹ ۱ ۰ ۹ ۳ ۴ ۲ ۴

۰ ۹ ۰ ۱ ۲ ۱ ۵ ۳ ۹ ۵ ۷

تهران، میدان ولیعصر، بلوار کشاورز، خیابان شوریده
تقاطع خیابان شوریده و پرویز، ساختمان سبحان، پلاک ۵، واحد ۳